

Scope of Citizenship in the Islamic Republic of Iran: According to Chantal Mouff approach

Hasan Majidi¹

Mohammadreza salehi vasigh²

Ali Akbarpour Alma Joghi³

Abstract

The purpose of this article is to study the scope of citizenship in the Islamic Republic of Iran: according to Chantal Mouff approach. This study has been done with a discourse reflection on Chantal Mouff views, using documentary and descriptive-analytical method. The question is what are the similarities and differences between the scope of citizenship in Iran after the Islamic Revolution and the criteria of citizenship from the perspective of Chantal Mouff? In the Islamic Republic of Iran, measures have been taken to eliminate discrimination and the scope of citizenship has become a little wider, but it is still inconsistent with the scope of Mouff citizenship, which is part of radical democracy. In defining the scope of Mouff citizenship, all members of society, except traditionalists and fundamentalists, are considered citizens. Compared to Mouff citizenship, it can be said that citizenship has spread in the Islamic Republic of Iran, but in some cases it is still far from Mouff intended citizenship. The status of women, religious and ethnic minorities, immigrants, workers, social outcasts, and displaced persons has been elevated in the constitution in terms of Islamic citizenship, but differs from the meaning of Mouff citizenship, which is identifiable, multi-subject, and constructed. In general, it can be said that after the Islamic Revolution, there has been some kind of discrimination, however, the citizenship defined in the Islamic Republic of Iran, does not fit completely in the form of Mouff citizenship. Achieving full cultural citizenship in Iran requires basic arrangements and prerequisites, one of the most important of which is the deepening of citizenship in public culture.

Keywords: Citizenship, Islamic Republic of Iran, Chantal Mouff, Radical Democracy.

¹ Associate Professor, Department of Political Science, Imam Sadegh University

² PhD student in Political Science, majoring in Political Thought, University of Tehran, Mo.rezasalehi@ut.ac.ir

³ Master of Political Science, Payame Noor University of Quchan

تاریخ ارسال: ۱۳۹۹/۱۰/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۱

Knowledge of political interpretation

دانش تفسیر سیاسی

Vol 3, No 7, Spring 2021

سال سوم، شماره ۷، بهار ۱۴۰۰

ppt 81-107

صفحات ۱۰۷-۸۱

دامنه شهروندی در جمهوری اسلامی ایران بر پایه نظریه شانتال موف

حسن مجیدی^۱

محمدرضا صالحی وثیق^۲

علی اکبر پور آلمه جوقی^۳

چکیده

هدف از این مقاله، بررسی دامنه شهروندی در جمهوری اسلامی ایران بر پایه نظریه شانتال موف است. پرسش اساسی این مقاله این است که در بررسی دامنه شهروندی در ایران بعد از انقلاب اسلامی با معیارهای شهروندی از منظر شانتال موف چه وجوه همخوانی‌ها و تفاوت‌هایی قابل‌شناسایی است؟ بدین‌جهت با بهره‌گیری از رویکرد توصیفی تحلیلی و با استفاده از روش اسنادی و با گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای به این پرسش پاسخ داده شده است یافته‌های مقاله نشان می‌دهد، شهروندی در جمهوری اسلامی ایران گسترده شده است و با اقداماتی که در حوزه رفع تبعیض صورت گرفته، دامنه شهروندی وسیع‌تر شده است، ولی همچنان با دامنه شهروندی شانتال موف که در قالب دموکراسی رادیکال جای می‌گیرد، فاصله دارد. جایگاه زنان، اقلیت‌های مذهبی و قومی، مهاجران، کارگران، مطرودان اجتماعی و آوارگان از نظر حقوق در قانون اساسی با مبانی شهروندی اسلامی ارتقا پیدا کرده ولی بامعنای شهروندی موف که هویت یاب، چندسوژه و برساخته است، متفاوت است. تحقق شهروندی فرهنگی کامل در ایران به ترتیبات و پیش‌نیازهای اساسی نیاز دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها تعمیق شهروندی در فرهنگ عمومی است.

واژگان کلیدی: دامنه شهروندی، جمهوری اسلامی ایران، شانتال موف، دموکراسی رادیکال

^۱ دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)

^۲ دانشجوی دکتری علوم سیاسی-گرایش اندیشه سیاسی دانشگاه تهران، (نویسنده مسئول) Mo.rezasalehi@ut.ac.ir

^۳ کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه پیام نور قوچان

۱. مقدمه

از مفاهیم و موضوعات اساسی اندیشه سیاسی که بیانگر رابطه فرد و اجتماع است، مفهوم شهروندی^۱ است. شهروندی از مباحث بسیار مهم و نوظهور در عصر معاصر است که به طور ویژه به برتری و عدالت توجه دارد و امروزه در نظریات اجتماعی، سیاسی و حقوقی جایگاه خاصی پیدا نموده است. شهروندی موقعیتی است که شامل مجموعه‌ای از حقوق، وظایف و تعهدات است و بر برابری، عدالت و استقلال دلالت دارد (کلی کیت، ۱۳۸۱: ۲۴). شهروندی مقوله‌ای است که بیانگر رابطه فرد سیاسی و اجتماع است که عناصر شاکله آن حقوق، تکالیف، مشارکت و هویت می‌باشند (عیوضی و باب گوره، ۱۳۹۱: ۱۸۸). امروزه شهروندی به شدت از نحوه نگاه معطوف به انسان بلوغ یافته، توانایی‌های وی و چگونگی شرکت دادن و سهم کردن او در وضعیت و سرنوشت حیات فردی و اجتماعی متأثر است (طاهری، ۱۳۹۵: ۳). شهروندی یکی مفاهیم اصلی اندیشه و عمل دموکراتیک است. شهروندان اعضای کامل و برابر اجتماعی سیاسی دموکراتیک می‌باشند که هویت آن‌ها، طبق حقوق و وظایفی شکل می‌گیرد که آن اجتماع را تعیین و تعریف می‌کند (لیپست، ۱۳۸۳: ۹۵).

حقوق شهروندی از مباحث حقوقی است و حقوق بشر نیز ناشی از کرامت ذاتی انسان و عام الشمول است. اجرای حقوق بشر مستلزم رعایت حقوق شهروندی است. در مفهوم شهروند عنصر اصلی متعلق فرد به یک جامعه سیاسی است و فرد واجد حقوق معین است و شهروندان به عنوان گروهی از مردم تعریف می‌شوند که می‌پذیرند دارای حقوق مشترکی هستند و این حقوقی خاص شهروندان، نه سوی بیگانگان است. شهروندی در دیدگاه موف، شکلی از هویت سیاسی تلقی می‌گردد که به عنوان یک کارگزار اجتماعی در سطوح گوناگون اجتماع سیاسی ملحوظ می‌شود و یک مقوله محوری در الگوی رادیکال دموکراسی تکثرگرا محسوب می‌شود و فهم آن به شیوه‌های گوناگون و با برداشت‌های

۱ Citizenship

متکثر از سیاست، امکان‌پذیر است (Mouffe, 2018: 74). شهروندی به عمل مفصل‌بندی مطالبات دموکراتیک گستره بی‌شماری از زنان، کارگران، سیاهان، آوارگان، پناهندگان، دگرباشان، هواداران محیط‌زیست به‌عنوان پوپولیسم چپ و در قالب «جنبش اجتماعی جدید» تلقی می‌شود که در صدد ساختن «ما» در مقام شهروندان دموکراسی رادیکال، یعنی نوعی هویت جمعی است که از طریق منطق هم‌ارزی دموکراتیک^۱، مفصل‌بندی می‌شود (موف، ۱۳۹۲: ۱۲۳-۱۲۴).

مسئله شهروندی همچنان موضوع مناقشات ایدئولوژیک است و حقوق متعلق به شهروندان در گذر زمان دچار تحول شده است. هنوز این احساس در جامعه دانشگاهی و آکادمیک وجود دارد که تلاش برای ارائه یک تعریفی واحد از شهروندی که برای همه جوامع یا حتی یک جامعه مصداق داشته باشد (کوستا کوپولو، ۱۹۹۴: ۱۳ و ۱۹۵) و یا دامنه شهروندی را به‌روشنی مشخص نماید، کاری بیهوده است. چیزی که متفکران با آن موافقت دارند این است که تعریف شهروندی و تعیین یک معنای دقیق از آن، کاری دشوار است (ترنر و همیلتون، ۲، ۱۹۹۴: ۱۵۳؛ به نقل از رفیعی، ۱۳۹۶: ۱۷-۱۸). با این وجود می‌توان گفت که شهروندی، عضویت کامل یک فرد در جامعه با تمام حقوق و مسئولیت‌ها است.

در هر جامعه‌ای، با توجه به تحولات و بحران‌های خاص سیاسی، دامنه شمول شهروندی و کسانی که در این حیطه جای گرفته و تعریف می‌شوند، تغییر می‌یابد، یعنی شهروندی و

۱ زنجیره و منطق هم‌ارزی، طیفی از نشانه‌ها است که به‌واسطه منطق ساده‌سازی در یک زنجیره هم‌ارزی در کنار هم قرار گرفته‌اند. با قرار گرفتن این زنجیره در غیریت با یک زنجیره تفاوت، هویت شکل می‌گیرد. زنجیره هم‌ارزی بدین معناست که در فرایند مفصل‌بندی، نشانه‌های اصلی در یک زنجیره معنایی با نشانه‌های دیگر ترکیب می‌شوند و در مقابل یک غیر که به نظر می‌رسد آن‌ها را تهدید می‌کند، قرار می‌گیرند.

برای مطالعه بیشتر ر. کک: اسدی، عباس؛ مجیدی، مصطفی (۱۳۹۷). «تحلیل گفتمان حاکم بر ساختار تبلیغاتی داعش»، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، دوره ۷، شماره ۲۴، بهار، صفحات ۸-۲۴.

DeVos, Patrick (2003). "Discourse Theory and the Study of Ideological (Trans-)formations: Analyzing Social Democratic Revisionism", In *Journal of Pragmatics*, 13(1): 163-180. <https://DOI:10.1075/PRAG.13.1.08VOS>

^۱Turner & Hamilton

شهروند ماندن تابعی است از تحولات سیاسی و وابسته به لحاظ تأسیس جامعه خاصی که افراد در آن، این حق را به دست می‌آورند یا این حق به آن‌ها اعطا می‌گردد. اهمیت دستیابی به فهمی عمیق‌تر و دقیق‌تر از مفهوم شهروندی و دامنه آن، زمانی مشخص می‌گردد که به کانونی بودن آن در شکل‌گیری دولت‌های مدرن و نظام‌های مردم‌سالار توجه داشته باشیم. بحث در خصوص لزوم رعایت حقوق شهروندی در ایران نیز از زمان تصویب قانون اساسی مشروطه مورد توجه قرار گرفته است، اما با شکل‌گیری دولت جمهوری اسلامی ایران است که شهروندی به‌عنوان عاملی مؤثر در اداره جامعه مورد تأکید واقع شده است و بر همین اساس منشور حقوق شهروندی در پاسخ به نیازهای عمومی جامعه شکل گرفته است اما همچنان با دامنه شهروندی موف که در قالب دموکراسی رادیکال جای می‌گیرد، فاصله دارد.

با توجه به گسترش پژوهش مستقل و آکادمیک در زمینه بررسی دامنه شهروندی در جمهوری اسلامی ایران، این مقاله تلاش دارد که با روش تحلیل اسنادی و استفاده از اطلاعات کتابخانه‌ای، زوایای جدید و خلاقانه‌ای از جایگاه شهروندی در جمهوری اسلامی ایران بر مبنای شهروندی رادیکال مدنظر شانتال موف به اشتراک بگذارد و به این مقوله توجه بیشتری گردد. پرسش اساسی این مقاله این است که در بررسی دامنه شهروندی در ایران بعد از انقلاب اسلامی با معیارهای شهروندی از منظر شانتال موف چه وجوه همخوانی‌ها و تفاوت‌هایی قابل‌شناسایی است؟ برای پاسخ به این پرسش از روش اسنادی بهره گرفته می‌شود. اگر پژوهش‌ها را به لحاظ سطح و برخورداری از دو بعد نظری و انضمامی به سه سطح برد کوتاه (معطوف به موارد تجربی‌اند)، متوسط (فی‌مابین استفاده از مفاهیم نظری و آزمایش تجربی آن‌ها) و کلان (اوج نظریه‌ورزی و فاصله گرفتن از میدان تجربی) تقسیم‌بندی شود روش اسنادی برای پژوهش‌های کلان به‌دوراز درگیری از میدان تجربی استفاده می‌شود (صادقی فسا و عرفان منش، ۱۳۹۴: ۶۳). در این روش، فرض بر این است که مفاهیم نظریات درباره پدیده‌های اجتماعی در اسناد و متون بازتاب می‌یابد.

در نتیجه در این روش کیفی، پژوهشگر تلاش می‌کند با استفاده نظام‌مند و منظم از داده‌های اسنادی (که اعم از کتب است) به کشف، استخراج، دسته‌بندی و سنجش مطالب مرتبط با موضوع پژوهش اقدام کند و نهایتاً با بسط مفاهیم و گزاره‌های اساسی نظریات به موضوع نظریه پژوهش پردازد.

۲. رهیافت‌های نظری به شهروندی

مفهوم شهروندی بسته به قرار گرفتن در بسترهای اجتماعی مختلف، تحولات تاریخی گوناگونی را پشت سر گذاشته و در هر یک از این دوره‌ها، روابط عناصر شاکله آن متغیر و متفاوت بوده است. چهار رهیافت برجسته در حوزه شهروندی وجود دارد که شامل شهروندی‌های کلاسیک، لیبرال، جمهوری خواهانه و رادیکال است. شاخص‌ترین نمایندگان این نحله‌ها به ترتیب ارسطو^۱، جان راولز^۲، یورگن هابرماس^۳ و شانتال موف^۴ می‌باشند. ارسطو در استدلال مشهورش، شهروندی را این‌گونه بیان داشته است: «کسی که در اداره امور جامعه هیچ شرکتی ندارد یا حیوان است یا خدا»^۵ (ارسطو، ۱۳۸۶: ۱۲۷۵).

گسترش امپراتوری‌ها منجر به گسترش حقوق شهروندی و تغییر معنای شهروندی گردید. لیبرال‌ها، شهروندی را شیوه‌ای جهت افزایش نفع شخصی به شمار می‌آورند و شهروندی، اساساً به مثابه مجموعه‌ای از حقوق فردی تعریف می‌شود^۶ (براتعلی پور، ۱۳۸۳: ۲۰۲). به بیان

۱ Aristotle

۲ John Rawls

۳ Jürgen Habermas

۴ Chantal Moff

۵ در آتن برای شهروند شدن، داشتن سن ۲۰ سال یا بالاتر و مرد بودن و همچنین برخورداری از نسب شناخته‌شده‌ای که در یک خانواده شهروند آتنی به دنیا آمده باشد، لازم بود. برای مطالعه بیشتر ر. ک:

Bellamy, Richard (2008). *Citizenship: a Very Short Introduction*, Oxford: University press.

۶ سنت لیبرال، شهروندی را در درجه اول به‌عنوان یک وضعیت حقوقی درک می‌کند: آزادی سیاسی به‌عنوان ابزاری برای محافظت از آزادی‌های فردی از دخالت افراد دیگری است، اما شهروندان این آزادی‌ها را بیشتر در انجمن‌های خصوصی اعمال می‌کنند. برای مطالعه بیشتر ر. ک:

راولز: "برخورداری از حداقل را باید پایه و اساس برابری شهروندان در مقام اشخاص دانست؛ یعنی چون جامعه را نظام منصفانه همکاری می‌دانیم، پایه و اساس برابری، دارا بودن حداقل لازمی از قابلیت اخلاقی و دیگر قابلیت‌هایی است که ما را قادر می‌سازد به‌طور کامل در زندگی مبتنی بر همکاری جامعه مشارکت کنیم" (راولز، ۱۳۸۵: ۴۸). الگوی شهروندی جمهوری خواهی ممکن است به‌عنوان «معیاری عمل کند که هنگام ارزیابی عملکرد مؤسسات به آن متوسل می‌شویم» (Miller, 2000: 84). هابرماس شهروندی را «در چارچوب اصالت کنش ارتباطی، به‌عنوان کنش انسانی اجتماعی که علاوه بر کار و زبان، مؤلفه مقوم حیات انسانی است»، تعریف می‌کند (منوچهری، ۱۳۹۵: ۵۳). در نظریه شهروندی هابرماس، شهروندان می‌توانند به‌عنوان عاملان سیاسی درک شوند؛ در واقع، سوژه‌های ارتباطی می‌توانند کارکردهای شهروندی را انجام بدهند که وی در نظریه سیاسی‌اش پیشنهاد می‌دهد^۱ (Mcafee, 2000: 19).

در سده نوزدهم با پیدایش روابط بازار و تأثیر فزاینده لیبرالیسم، نظریات شهروندی رادیکال، به‌عنوان جدیدترین و بحث‌برانگیزترین نظریات مطرح شدند. تلاش شهروندی رادیکال-مجادله‌ای برای بازتعریف این مفهوم، پاسخی به محدودیت‌ها است، محدودیت‌هایی هم از جانب لیبرال‌ها که شهروندی را به یک وضعیت قانونی تقلیل داده‌اند هم از جانب مفاهیم ایستا و بوروکراتیکی که سال‌های متمادی، اصول آلترناتیو ارائه شده توسط چپ‌ها بوده است (Mouffe, 1992: 3).

Pocock, J. G. A (1995). "The Ideal of Citizenship since Classical Times", in *Theorizing Citizenship*, Ronald Beiner, Albany: State University of New York Press.

۱ هابرماس همچنین معتقد است که شهروندی پسامدرن باید بر مبنای دفاع لیبرال از حقوق فردی بنا شود نه اینکه آن را رد کند. از این جهت که لیبرالیسم یک آموزه همه‌شمول و جهانی است. پس نظریه شهروندی جهانی نیز ماهیت جهانی و فراملی پیدا می‌کند. پس باید گفت نظریه شهروندی جهانی در سطح جهانی مطرح است و در عین حال در سطوح منطقه‌ای و ملی نیز تحقق‌پذیر است. در این راستا، هابرماس با قبول استدلال واحدهای ملی، شهروندی جهانی را در چارچوب میهن‌پرستی قانونی متحقق می‌داند. برای مطالعه بیشتر ر. کک: هابرماس، یورگن (۱۳۸۴). جهانی شدن و آینده دموکراسی، ترجمه کمال یولادی، انتشارات مرکز، چاپ سوم، تهران، صفحات ۱۸۰-۲۰۰.

۳. چارچوب نظری: نظریه شهروندی در رادیکال دموکراسی شانتال موف

شانتال موف از نظریه پردازان متأخر در حوزه اندیشه سیاسی، در آثارش به بحث درباره موضوعاتی مانند لیبرالیسم، پلورالیسم، شهروندی، دموکراسی لیبرال، جماعت از منظری ضد ذات گرایانه و رادیکال دموکراسی می پردازد. موف به بحث درباره تمایز مفهومی سیاست و امر سیاسی می پردازد و تلاش می کند از بازآفرینی سیاست در قالب الگوی تحلیلی جدید پرده برداری کند. این مرزبندی مفهومی بیانگر نوعی تفاوت هستی شناختی - معرفت شناسانه و مرزبندی جدید مفهومی بین علم سیاست و نظریه سیاسی متأخر به عنوان حوزه بحث درباره مفهوم امر سیاسی و نحوه ساخت یابی جامعه و کردارهای مندرج در آن (بحثی هستی شناختی) است (نظری، ۱۳۹۴: ۲۵۸).

وی معتقد است که اندیشه شهروندی باید با چالش های جنبش های اجتماعی جدید در رابطه با محیط زیست، هم جنس گرایی، قومیت و همچنین مبارزاتی پیرامون طبقه، نژاد و جنسیت مواجه شود (Mouffe, 1992: 4). موف، شهروندی و سیاست های رادیکال دموکراتیک حقوق زنان را در وضعیت جامعه پسادموکراتیک دنبال کرده تا بتواند منطق تفاوت جنسیتی حاکم بر شهروند غربی را بی اثر سازد. این نقد از دیدگاه وی باید آن چنان رادیکال گردد که عنوان شهروندی بتواند خود را بر دو گانه زنانگی / مردانگی حفظ نماید (موف، ۱۳۹۲: ۱۲۱). در تحقیقاتی که راجع به شانتال موف صورت گرفته، کمتر به بررسی جایگاه مفهوم شهروندی و دامنه آن پرداخته شده و ما سعی کرده ایم بر مبنای رویکرد غیر ذات گرایانه وی، خوانش جدیدی از مفهوم شهروندی رادیکال در جمهوری اسلامی ایران ارائه دهیم. موف با تأکید بر ضرورت تخصص و حفظ آن به عنوان یک اصل دموکراتیک و بازگرداندن آن به نظریه های لیبرال دموکراتیک، شکل تازه ای از مناسبات سیاسی را توضیح داده و شهروندی را در مرکز توجه خود قرار داده است. موف موافق است که مسئله هویت سیاسی، مهم ترین مسئله است و تلاش برای ساختن هویت شهروندان یک وظیفه مهم سیاست های دموکراتیک است، اما بینش های مختلفی درباره شهروندی و

موضوعات اصلی در بحث آن‌ها مطرح است (Mouffe, 2007: 70-71). یکی از عرصه‌هایی که برداشت خاص موف از ماهیت و چیستی امر سیاسی بر آن تأثیرگذار است، شهروندی و صورت‌هنجاری نظریه موف در باب چگونه دیدن و تعریف شهروندان در ساحت سیاست آگونیستی‌اش است. اولین نکته موف در باب شهروندی، این است که شیوه‌ای که ما شهروندی را تعریف می‌کنیم نهایتاً با نوع جامعه و اجتماع سیاسی ارتباط می‌یابد (Mouffe, 1993: 60).

شهروندی از نظر موف، در ارتباط وثیق با هویت سیاسی شهروندان قرار دارد. دلیل ارتباط شهروندی با هویت از نظر موف، به خاطر این است که حس هویت و حس شهروندی افراد به‌طور متقابل همدیگر را می‌تواند شکل و سازمان دهد (Mouffe, 1993: 61)؛ بنابراین ایده شهروندی دموکراتیک رادیکال می‌تواند شکلی از هویت‌یابی را تدارک ببیند که استقرار هویت سیاسی مشترک را در میان مبارزات متنوع دموکراتیک ممکن کند (Mouffe, 1993: 7-8). آفرینش هویت‌های سیاسی به‌مثابه شهروندان دموکراسی رادیکال به شکل جمعی هویت‌یابی در قالب طیفی از جنبش‌های جدید اجتماعی مثل زنان، کارگران، سیاه‌پوستان، محیط‌زیست‌گرایان و... پیدا می‌شوند (موف، ۱۳۹۲: ۱۰۴-۱۰۵). موف بر پایه برداشت آگونیستی، معنایی که از شهروندی در نظر دارد این‌گونه بیان می‌کند: "همراه شدن و همکاری داشتن برحسب به رسمیت شناختن اصول لیبرال دموکراتیک" (Mouffe, 1993: 65-66). این‌گونه دیدن شهروندی، همان‌طور که موف هم به‌صراحت بر آن تأکید می‌کند به معنای این است که شهروندی دیگر نه همچون شأن حقوقی، بلکه همچون شکلی از هویت‌یابی دیده می‌شود، یعنی چیزی که ساخته می‌شود، نه چیزی به لحاظ تجربی معین و مشخص. پس همواره نوعی ستیزش و منازعه بر سر اصول سیاسی موردنظر وجود دارد، چراکه تفاسیر اصول دموکراتیک برابری و آزادی، همواره در تعارض و رقابت باهم هستند، از این‌رو، تفاسیر شهروندی دموکراتیک نیز در تعارض باهم قرار دارند (Mouffe, 1993: 65-66).

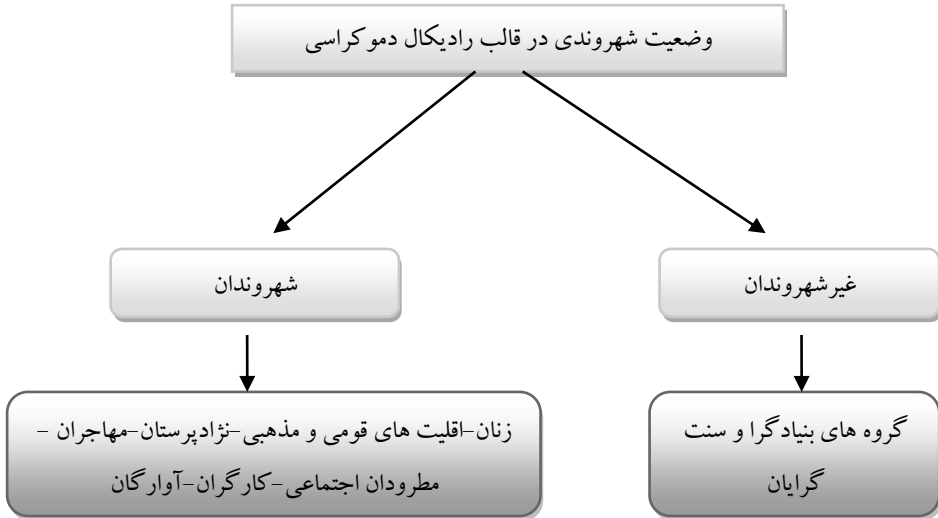
موف بر آن است که شهروندان دموکراتیک فقط می‌توانند در بستر نهادها، گفت‌وگوها و اشکال زندگی متکثر به وجود آیند و به ارزش‌های دموکراتیک هویت بخشند (موف، ۱۳۹۲: ۲۰۰). شهروند، کارگزار اجتماعی است که در معرض فراخوانی‌های مختلف اجتماعی قرار دارد که در کار شکل بخشیدن به هویت‌های سیاسی گوناگون است. شهروندی برای موف، یک جریان مداوم از هویت‌یابی‌های سیاسی است که در ذیل روابط اجتماعی موجود در یک دموکراسی رادیکال در میان آن دسته از منابع هویت بخشی که اصل و اساس برابری، آزادی و ضرورت تکثرگرایی را به رسمیت می‌شناسند، جریان دارد. موف سعی می‌کند تا نشان دهد که شهروندان یک دموکراسی رادیکال، دشمنانی هستند که دوستانه نسبت به یکدیگر دشمنی می‌ورزند. برداشت آگونیستی از امر سیاسی در این شیوه دیدن شهروندی به‌مثابه اصلی مفصل‌بندی‌کننده از موقعیت‌های مختلف سوژه کارگزار اجتماعی که منجر به شکل‌گیری هویت‌های مختلف سیاسی می‌شود، خود را نشان می‌دهد^۱ (Mouffe, 2005: 11). از منظر وی، در جامعه مدرن، تمامی افراد، شهروند محسوب می‌گردند و دارای حقوق مدنی در برابر قانون، آزادی بیان، آزادی عقیده، حقوق سیاسی و حتی حقوق اجتماعی و اقتصادی می‌باشند.

شهروندی برای موف که بر تعامل متقابل شهروندی و هویت تأکید می‌کند، همچون یک کل از موقعیت‌های سوژه از قبیل (زن بودن، روستایی، مسلمان و غیره) فهمیده می‌شود. هر یک از این موقعیت‌ها، هویت‌یابی فرد را در درون گروهی خاص بازنمایی می‌کند. موف تلاش می‌کند با اتخاذ یک دیدگاه معرفت‌شناسانه «ضد ذات‌باور»، نگاه ذات‌گرا به مفهوم مردم را رد کند و از «برساختن مردم» در موقعیت‌های مختلف سخن بگوید. مردم در شرایط مختلف تحت مفصل‌بندی‌های متفاوتی برساخته می‌شوند. کلیتی از پیش تعیین شده

^۱ گروه‌ها و هویت‌های سیاسی از طریق تقابل مبنایی ما/آنها خود را با آن‌هایی که در موقعیت‌های سوژه‌ای مشابه و همسانی قرار دارند یکی و دارای هویت مشترک فرض می‌کنند و بر اساس این همسانی و هویت مشابه که منتج از یک موقعیت سوژه خاص است، دارای تعبیر و تفسیر متفاوت و متعارضی با آن‌ها از اصول سیاست دموکراتیک و ارزش‌های آن می‌شوند. امر سیاسی آن‌گونه که موف تصریح می‌کند با منازعه و آنتاگونیسم سروکار دارد، از این رو، عرصه تصمیم و نه بحث آزاد است.

به نام مردم وجود ندارد. تأکید او در این زمینه احیای مفهوم شهروندی، در مسیر خواست آزادی و برابری برای همه است. در اندیشه موف، دو گانه‌های تجربی (زنان در مقابل مردان، سیاهان در برابر سفیدپوستان، هم‌جنس‌گراها در مقابل دگر جنس‌گراها) تشکیل نمی‌شوند، بلکه در مجموعه‌ای از گفتمان‌ها، شیوه‌ها و نهادها شکل می‌گیرند. در اینجا فضا، نقش کاربردی دارد تا زمانی که یک بیرونی را بازنمایی یا تعریف می‌کند، فضا کارکردی جامعیت بخش را از طریق تعریف دامنه گفتمانی مسئله‌مندسازی بازی می‌کند (دیکچ، ۱۳۹۹: ۱۹). نمونه‌هایی از شهروندی مدنظر موف این است که یک زن سیاه‌پوست فارغ از جنسیت و رنگ پوست در یک جامعه سفیدپوست از حقوق شهروندی برخوردار باشد. از نمونه‌هایی اخیر در این قالب تا حدی انتخاب‌های فرا جنسیتی و فرا اعتقادی جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده و یا جنبش چپ‌ها در یونان که توانستند دولت رو نقد کنند قابل بیان است^۱. در ادامه الگوی شهروندی برگرفته از اندیشه موف ارائه شده است:

۱ در مقایسه با رویکردهای نژاد پرستانه ترامپ و دولت وی نسبت به سیاه‌پوستان مسلمانان و مهاجران؛ جهت‌گیری جو بایدن در آمریکا را می‌توان از مصداق‌های شهروندی به حساب آورد که مواردی را در قالب شهروندی موف در خود جای داده است. از جمله می‌توان به: پست مهم جو بایدن، برای یک زن مسلمان اشاره نمود که نشان از نبود تمایز جنسیتی و حتی مذهبی در انتخاب افراد دارد و همه افراد فارغ از مذهب و جنسیت، به‌عنوان شهروند محسوب می‌گردند. جو بایدن، سمیرا فاضلی زن مسلمان با اصلیت کشمیری را برای پست معاونت شورای اقتصاد ملی آمریکا برگزیده است. مواردی که ناشی از نگاه موفی به امر شهروندی است. بدان معنا که افراد فارغ از جنسیت، هویت، رنگ پوست و ... می‌توانند جز شهروندان محسوب گردند و امتیازات شهروندی برای آن‌ها در نظر گرفته شود. چارچوبی که می‌تواند مسیر رادیکال دموکراسی را هموار سازد. کاملیا دوی هریس معاون جو بایدن است که از ۲۰ ژانویه ۲۰۲۱ به این سمت منصوب شده است. او اولین معاون رئیس‌جمهور زن و اولین معاون رئیس‌جمهور سیاه‌پوست این کشور به شمار می‌رود. او دومین زن سیاه‌پوست و نخستین جنوب آسیایی آمریکایی است که به سنا راه یافت. هریس متولد اوکلند، کالیفرنیا است. مادر او مهاجری از هند و پدر او اهل جامائیکا بودند. البته وجود این موارد به معنای انکار تبعیض و نبود اعتراضات در ایالات متحده یا اتحادیه اروپا نیست بلکه این موارد نمونه‌هایی هستند که با تسامح در قالب شهروندی موف قرار می‌گیرند.



نمودار ۱: ترسیم الگوی دامنه شهروندی شانتال موف

۴. تاریخچه شهروندی در جمهوری اسلامی ایران

مفهوم و دامنه شهروندی در گذر زمان تحول و تکامل یافته است. در برخی از جوامع باستانی شهروندی یک سرزمین، تنها صاحب آن را از حقوق ساده‌ای مانند حق تملک و حق به بردگی گرفته نشدن برخوردار می‌کرد، اما به مرور زمان و با تغییر بافت اجتماعی و اقتصادی جوامع، حقوق متعلق به شهروندان نیز دامنه وسیع‌تری پیدا کرد و حوزه‌های مختلفی از زندگی آنان نظیر آزادی‌های فردی، حریم خصوصی افراد، تابعیت، رفاه اجتماعی و غیره را در بر گرفت. علاوه بر آن در دهه‌های اخیر با پیشرفت فناوری، حقوق دیگری نظیر حق دسترسی به اطلاعات، حق برخورداری از محیط‌زیست و توسعه پایدار، حق دسترسی به فضای مجازی و جز آن نیز به‌عنوان حقوق نسبتاً جدیدی که شهروندان باید از آن‌ها برخوردار باشند مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. این تکامل و گسترش دامنه حقوق شهروندی علاوه بر تحولات اقتصادی و اجتماعی مرهون کوشش‌ها، مبارزات، انقلاب‌ها و دیگر تحولات سیاسی در کشورهای مختلف است (رفیعی، ۱۳۹۶: ۱-۲). در واقع به دنبال تحولات اجتماعی و انقلاب‌های سیاسی در دو قرن گذشته و فروپاشی بنیان حکومت‌های

خودکامه و پیدایش مفاهیم جدید در ادبیات سیاسی و حقوقی، دوره جدیدی در تجربه تاریخی بشر رقم خورد و افق نوینی در تنظیم و شفافیت روابط متقابل دولت و شهروندان گشوده شده و حقوق و امتیازات شهروندان در قوانین اساسی دولت‌های جدید، جایگاهی ممتاز یافته است^۱ (احمدی طباطبایی، ۱۳۸۸: ۴).

شهروندی هرچند مفهومی است که در اروپا پا گرفته، ولی از دید مفهومی این حقوق در ایران و اسلام، سده‌ها پیش از اروپا مدون شده است. اعلامیه کوروش بزرگ در ایران باستان پس از رسیدن به قدرت که با آسان‌گیری و خردمندی در برخورد با دیگر اقوام و آیین‌ها همراه بود، نمونه‌ای از دیرینگی توجه ایرانیان به حقوق شهروندی است. در بسیاری از آموزه‌های اسلامی نیز، توجه به مبانی و جنبه‌های مختلف شهروندی، موجود است (طاهری، ۱۳۹۵: ۴)؛ در گذشته، در دوره ناصرالدین‌شاه، امیرکبیر بود که برای نخستین بار در قالب قانون به رعایت حقوق مردم توسط حاکمان و نمایندگان آنان تأکید داشت. در متمم قانون اساسی مشروطه، در فصلی با عنوان حقوق ملت، مهم‌ترین حقوق فردی و شهروندی در ۱۸ اصل (اصول ۸ تا ۲۶) مورد تأکید قرار گرفته است. با شکل‌گیری دولت پهلوی و پیدایش دولت مطلقه، کارآمدی قانون اساسی با چالش مواجه گردید و حقوق مردم با شدت و ضعف در این دوران، مورد نفی و انکار قرار گرفت؛ بنابراین، در تاریخ معاصر ایران، جای‌چندانی برای حقوق شهروندی نمی‌توان یافت و از همین رو مسئله حقوق مردم (شهروندی)، یکی از اهداف انقلاب اسلامی ایران به شمار می‌آید. با وقوع انقلاب اسلامی، دومین قانون اساسی مدرن در سال ۱۳۵۸ به تصویب رسید. در قانون اساسی جدید، فصل جداگانه‌ای به منظور نهادینه کردن حقوق و امتیازات ملت که شامل آحاد مردم ایران از اقوام، ادیان و مذاهب گوناگون بود، در نظر گرفته شد که به‌نوعی، پایه و اساس حقوق

۱ منشأ اندیشه شهروندی در غرب همانند بسیاری از مفاهیم علوم اجتماعی در یونان باستان است، به‌طوری‌که شهروندی در یونان باستان موجودیت یافته و تا دوره حاضر در حال تطور و تحول بوده است.

برای مطالعه بیشتر ر. ک: عیوضی، محمدرحیم؛ باب‌گوره، سید حسام‌الدین (۱۳۹۱). «تحول مفهوم شهروندی و ظهور شهروند جهانی»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۲، شماره ۳، پاییز، صفحات ۱۸۷-۲۰۵.

شهروندی در جامعه ایرانی-اسلامی است (احمدی طباطبایی، ۱۳۸۸: ۴). پیروزی انقلاب اسلامی ساختار سیاسی و فرهنگی اجتماعی ایران را تغییر داد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۷) منعکس کننده زندگی تاریخی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مردم ایران است. از اساسی ترین موضوعات جامعه ایران، ساختار متنوع فرهنگی اجتماعی متشکل از اقوام مختلف (از جمله فارس، ترک، لر، بلوچ، عرب، سیستانی، مازنی، گیلک، گورجی)، انواع زبان‌ها، مذاهب (شیعه، سنی)، ادیان (اسلام، یهودیت، مسیحیت) است.^۱

۵. مبانی شهروندی در جمهوری اسلامی ایران

شهروندی از مفاهیمی است که در سال‌های اخیر، کاربرد آن در جامعه ایران نیز به نحو چشمگیری رو به افزایش نهاده است. مفهوم شهروندی در جمهوری اسلامی ایران برگرفته از آموزه‌های دینی است. قوانین فقهی و دینی متعددی باعث شکل‌گیری ابعاد مختلف شهروندی در جمهوری اسلامی ایران شده‌اند که نمودهای مشخص آن در حقوق اقلیت‌ها، برخورداری از زبان محلی و گویش‌های محلی، قومی، حق برخورداری از مالکیت، قضاوت عادلانه، حق آزاد بیان و آزادی تجمع، حقوق زنان و ... دیده می‌شود (ولوی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۴). قانون اساسی در هیچ‌کجا، کلمه شهروند و یا حقوق شهروندی را به کار نبرده است (محسنی، ۱۳۸۶: ۱۵۸)، اما بر اساس آنچه درباره حقوق ملت، عدالت، آزادی، حقوق اقلیت‌ها و مذاهب بیان می‌شود، می‌توان مصادیقی از حقوق شهروندی را مورد توجه قرار داد.

در احادیث و روایات و همچنین آیات قرآن کریم بحث شهروندی قابل استخراج است. اصل اول در مفهوم شهروندی اسلامی، حق شناخت نفس و جایگاه حقیقی خویش است؛ زیرا انسان با این شناخت به وظایف خود به‌عنوان بالاترین مخلوق پی می‌برد. از این منظر، تلاش برای تقویت معنویت و رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی از اهداف مفهوم

۱ برای مطالعه بیشتر ر. ک: مقصودی، مجتبی (۱۳۸۲). قومیت‌ها و نقش آنان در تحولات سیاسی سلطنت محمدرضا پهلوی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران.

شهروندی اسلامی به شمار می‌رود. عدالت و روابط عادلانه یکی از مؤلفه‌های مفهوم شهروندی اسلامی است که به معنای وجود فرصت‌ها و شرایط برابر برای همه شهروندان است.^۱ در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران که بر پایه آموزه‌های اسلامی تدوین شده است، همه انسان‌ها صرف‌نظر از دین، نژاد، رنگ، زبان، جنس و ملیت صاحب نوعی کرامت ذاتی می‌باشند و در پس این کرامت بر اساس تقوا و نقش افراد در جامعه ارزیابی می‌شوند. این جمله بدان معناست که مفهوم شهروندی در آموزه‌های اسلامی در پیوند با کرامت انسانی مورد توجه قرار گرفته است. همه انسان‌ها از کرامت ذاتی^۲ و حیثیت طبیعی برخوردارند و خداوند باری تعالی برای گذران حیات انسان‌ها در فضای حق، تکلیفی متقابل متسالم این نوع کرامت را در نهاد همه انسان‌ها قرار داده است. این کرامت «نتیجه بشریت است و هر انسان از آن رو که انسان است، صاحب کرامت است» (عمیدزنجانی و توکلی، ۱۳۸۶: ۱۶۴). بسیاری از حقوق، تکالیف و احکام شرعی در اسلام برای انسان‌ها وضع شده است، ولو این که افراد جرمی را مرتکب شده باشند. از جمله می‌توان به جرائمی به‌مانند تحریم قتل نفس، حرمت انتحار و خودکشی، حرام بودن اذن به قتل، تحریم قتل جنین، حرمت مثله کردن، وجوب حفظ جان و حرمت نفس برای حفظ کرامت انسان اشاره نمود.^۳ اولین مسئله در درک راه‌حل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای تنوع

^۱ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُم لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ: همانا خدا (خلق را) فرمان به عدل و احسان می‌دهد و به بذل و عطاء خویشاوندان امر می‌کند و از افعال زشت و منکر و ظلم نهی می‌کند و به شما پند می‌دهد، باشد که موعظه خدا را بپذیرید. (نحل، ۹۰).

^۲ dignite inherente

^۳ وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ: ای عاقلان، حکم قصاص برای حفظ حیات شماست تا مگر (از قتل یکدیگر) بپرهیزید (بقره، ۱۷۹). الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ وَكَلَّا اللَّهُ دَعَا النَّاسَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا لَهْدَمَتْ صَوَاعِقُ وَبِيعَ صَلَوَاتٍ وَمَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا ۗ وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَكَفُورٌ عَزِيزٌ: آن مؤمنانی که به‌ناحق از خانه‌هایشان آواره شده جز آنکه می‌گفتند: پروردگار ما خدای یکتاست و اگر خدا دفع شر بعضی از مردم را به بعضی دیگر نکند همانا صومعه‌ها و دیرها و کنش‌ها و مساجدی که در آن (نماز و) ذکر خدا بسیار می‌شود همه خراب و ویران شود؛ و هر که خدا را یاری کند البته خدا او را یاری خواهد کرد که خدا را منتهای اقتدار و توانایی است. (حج، ۴۰).

فرهنگی اجتماعی، کشف ساختار اساسی یا روح عمومی حاکم بر آن است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به مسئله هویت و تابعیت افراد در جمهوری اسلامی ایران توجه کرده است. طبق مقدمه قانون اساسی، مؤسسات فرهنگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران بر اساس اصول اسلامی تأسیس شده‌اند. از این نظر، اسلام عنصر اساسی ساختار اساسی هویت شهروندی و فرهنگ اسلامی (شیعه) بر ساختار مذهبی، تاریخی و سیاسی جامعه ایران حاکم است. در مقدمه همچنین می‌خوانیم که انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، نتیجه مبارزات ضد استبداد و ضد استعمار مردم مسلمان ایران بوده است؛ بنابراین، ملت می‌تواند دومین عنصر ساختار اساسی هویت شهروندی در جمهوری اسلامی ایران باشد. در عین حال این دو عنصر در معنای واحد در هویت اسلامی ترکیب و ادغام شده‌اند.^۱ در چارچوب نظام حقوقی ایران، قانون اساسی^۲ مهم‌ترین سندی است که در خصوص اقلیت‌ها، به‌ویژه اقلیت‌های مذهبی، نکات قابل توجهی دارد و در آن بر حق برابر همه افراد جامعه در برخورداری از حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تأکید شده است. منشور حقوق شهروندی^۳، دومین سندی است که در راستای شناسایی اقلیت‌ها و تصدیق حقوق آن‌ها در سال ۱۳۹۵ از سوی رئیس‌جمهور وقت (حسن روحانی) رونمایی گردید. مبنای قانونی ارائه این منشور از سوی رئیس‌جمهور، مسئولیت ایشان در اجرا و پاسداری از قانون اساسی بر طبق اصول ۱۱۳ و ۱۲۱ قانون اساسی است.

۱ در مقدمه بخشی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «استقلال»، «آزادی» و «جمهوری اسلامی» به‌عنوان سایر عناصر اساسی هویت شهروندی در معرفی شده‌اند. در یک بررسی کلی تاریخ، میراث سیاسی و فرهنگی، آیین‌ها، زبان ملی، دین اسلام و ملت را به‌عنوان ساختار اساسی هویت شهروندی است که در مواد ۱۷ و ۱۸ منعکس شده است.

۲ فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به حقوق ملت اختصاص یافته و در آن برخی حقوق سیاسی از جمله آزادی عقیده و بیان، مطبوعات و اطلاعات، تکرر گرای، برایی آزادانه اجتماع و راهپیمایی پیش‌بینی شده است.

۳ این منشور دارای یک مقدمه، بیست و یک فصل و صد و بیست ماده به همراه بند مستقلی با عنوان «سازوکار اجرا و نظارت بر حسن اجرای حقوق شهروندی» است.

۶. دامنه شهروندی در جمهوری اسلامی ایران (شهروندان و غیرشهروندان)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تصریح‌های متعدد قانون اساسی به حقوق سیاسی و به‌ویژه حق مشارکت مردم به‌عنوان اصلی‌ترین نقش سیاسی شهروندان در اداره امور جامعه است. در قانون اساسی، قانون‌گذار حق مردم در تعیین سرنوشت خود را امری خدادادی دانسته و تعیین نظام اسلامی و انتخاب حاکم اسلامی را متکی به رأی ملت می‌نماید و بدین ترتیب، دموکراسی اسلامی (مردم‌سالاری دینی) را تأسیس می‌کند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲). در قانون اساسی برخورداری از حقوق اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی (حقوق شهروندی) وجود دارد؛ بنابراین از ابعاد حقوق شهروندی اسلامی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بازنمود یافته است، حقوق اقلیت‌های دینی، زبانی و مذهبی است. در همین چارچوب، در اصل سیزدهم قانون اساسی بیان شده که ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند. همچنین بر اساس همین قانون، مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی و زیدی دارای احترام کامل هستند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزاد هستند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها و با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب، بر طبق آن مذهب (مذهب حاکم) خواهد بود (منصور، ۱۳۹۱: ۱۲). بدین ترتیب شناسایی افراد در مقابل قانون، برابری در مقابل دادگاه، برابری در مقابل قانون و تضمین تحقق آزادی‌های مهم مذهبی و آزادی تشکیل اجتماعات و آزادی بیان از نمونه‌های عدم تبعیض است. جلوگیری از تبعیض، در واقع جلوگیری از هرگونه اقدامی است که برابری رفتاری بین انسان‌ها را از بین می‌برد (سلیمی و حاضر، ۱۳۹۷: ۲۱۷). در ادامه دامنه شهروندی در جمهوری اسلامی ایران به تفکیک بحث شده است.

زنان:

ازلحاظ جایگاه شهروندی، با وقوع انقلاب اسلامی، نقش زنان در جامعه، نقشی اساسی و راهبردی پیدا کرده و وضعیت شهروندی زنان نسبت به قبل از آن ارتقا پیدا کرده است. جمهوری اسلامی ایران به تبعیت از اسلام، برای رشد و ارتقاء زنان، قوانین متعددی را تصویب کرده که علاوه بر رشد فردی آنان، به توانمندی‌هایشان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی نیز توجه شده است.^۱ در این چارچوب به‌جز فراهم شدن امکان تحصیل زنان و افزایش جمعیت زنان در هرم جمعیتی آموزش عمومی و عالی می‌توان به مواردی اشاره نمود که نشان از گذر از نگاه تبعیضی و قرار دادن زنان در قالب شهروندی و برخورداری از حقوق شهروندی است. به‌عنوان مثال، مرضیه افخم اولین سفیر زن جمهوری اسلامی ایران است. افخم همچنین اولین سخنگوی زن وزارت امور خارجه ایران بود. او حدود دو سال ریاست مرکز دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای وزارت امور خارجه را بر عهده داشت. همچنین در پست حساسی همچون سفارت که همواره مردان، جایگاه و مسئولیت داشته‌اند، این امکان فراهم شده که زنان نیز عهده‌دار این مسئولیت باشند. افسانه نادی پور که دستیار وزیر امور خارجه در امور حقوق شهروندی بوده، پس از «مرضیه افخم» سفیر ایران در مالزی، «حمیرا ریگی» سفیر ایران در برونتی و «فروزنده ودیعی» سفیر ایران در فنلاند، چهارمین زنی است که در این پست حساس قرار گرفته است. در حوزه نمایندگی مجلس شورای اسلامی نیز، از ابتدای انقلاب تاکنون، جایگاه نمایندگان زن بهبود یافته است.^۲ این‌ها

۱ طبق اصل ۲۱ قانون اساسی، دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید. طبق منشور حقوق شهروندی جمهوری اسلامی ایران: ماده ۳: حق زنان است که از برنامه‌ها و تسهیلات بهداشتی و درمانی مناسب و آموزش و مشاوره‌های مناسب برای تأمین سلامت جسمی و روانی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی در مراحل مختلف زندگی به‌خصوص دوران بارداری، زایمان، پس از زایمان و در شرایط بیماری، فقر یا معلولیت، برخوردار باشند. ماده ۱۱: زنان حق دارند در سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، مدیریت، اجرا و نظارت، مشارکت فعال و تأثیرگذار داشته و بر اساس موازین اسلامی از فرصت‌های اجتماعی برابر برخوردار شوند. ماده ۸۳: حق زنان است که از فرصت‌های شغلی مناسب و حقوق و مزایای برابر با مردان در قبال کار برابر، برخوردار شوند.

۲ دهمین دوره مجلس شورای اسلامی با ۱۷ نماینده زن، دارای بیشترین تعداد حضور زنان در مجلس بوده است.

نمونه‌هایی هستند که نشان از بهبود جایگاه زنان و برخورداری آنان از حقوق شهروندی در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی است. باید توجه داشت که مثل هر جامعه‌ی دیگری که چارچوب و موازین خود را دارد در جمهوری اسلامی نیز موازین اسلامی مورد توجه است؛ بنابراین در این عرصه شهروندی در جمهوری اسلامی ایران و با شهروند مدنظر موف مرزبندی مشخصی دارد و شهروندی مدنظر موف که در آن جایگاه شهروندی زن، غیر ذات گرایانه، چند سوژه و به‌دوراز هرگونه محدودیت‌های ایدئولوژیکی و قانونی فاصله دارد اما مسئله اینجا است که مطلق نگاری موف بدون توجه به زمینه فرهنگی و ظرفیت اجتماعی و پویایی درونی است به‌طوری که روند رو به رشد زنان در جمهوری اسلامی ناشی از پویایی درونی جامعه در بستری است که شرایط را برای کنشگری زنان آماده کرده است و از همان بدو شکل‌گیری انقلاب اسلامی در متن قانون اساسی نیز مدنظر قانون‌گذار بوده است.

اقلیت‌های دینی و زبانی:

با بررسی حقوق و امکانات خاص اقلیت‌ها در قانون اساسی^۱ جمهوری اسلامی ایران، درمی‌یابیم که تدوین‌کنندگان قانون اساسی، در نگارش و تصویب قانون اساسی، ضمن اساس قرار دادن شرع مقدس، نسبت به اسناد بین‌المللی حقوق بشر در رابطه با اقلیت‌ها نیز بی‌توجه نبوده‌اند. باین حال شهروندی اقلیت مدنظر موف فراتر از این چارچوب قانونی است. به نظر می‌رسد تفاوت در وجود الگوی مشخص و منسجم و استفاده از مدل مشخص است که می‌تواند حقوق شهروندی گروه‌های مذکور را که به‌صورت قانونی مطرح شده و محفوظ شده را در نظر بگیرد.

^۱ طبق اصل سیزدهم: ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند.

مقابله با نژادپرستی:

به تبعیت از اسلام و آموزه‌های آن، در ایران نیز با نژادپرستی مقابله شده است و تمامی رنگین‌پوستان به‌دوراز رنگ پوست، برابر می‌باشند و نگاه تبعیضی نسبت به آن‌ها به‌مانند آنچه در تاریخ ایالات‌متحده وجود دارد، اعمال نمی‌گردد. به‌عنوان‌مثال، رنگین‌پوستان به‌مانند سایر افراد جامعه دارای هویت ملی-نژادی بر پایه آموزه‌های اسلام می‌باشند و از حقوق ارثی در چارچوب قانون برخوردارند. امام خمینی به‌عنوان بنیان‌گذار حکومت جمهوری اسلامی ایران با نژادپرستی مخالف بود و در ایران قوانینی^۱ که پس از انقلاب اسلامی ایجاد شد کاملاً در همین راستا بوده است؛ بنابراین بنا بر آموزه‌های اسلام، نژادپرستی در جمهوری اسلامی ایران معنایی ندارد، چون مبانی خودش را از اسلام دریافت می‌کند. این به‌مانند همان برداشتی است که موف از شهروندی در خصوص نژادپرستان و رنگین‌پوستان دارد و همگی این‌ها را شهروند به‌حساب می‌آورد؛ بنابراین نژادپرستی و سیاهان در جامعه حل شده است و با شهروندی موف همخوانی دارد.

مهاجران:

الف) تحصیل

با حمایت‌های آشکار و پنهان دولت از مهاجران، مهاجران در ایران بسیاری از فرصت‌های شغلی را گرفته و از حقوق بسیاری مانند حق آموزش، درمان و اشتغال برخوردارند. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در سخنرانی اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴ تصریح کردند: «هیچ کودک افغان، حتی مهاجرینی که به‌صورت غیرقانونی و بی‌مدرک در ایران حضور دارند، نباید از تحصیل بازمانند و همه آن‌ها باید در مدارس ایرانی ثبت‌نام شوند.» این دستور زمینه ثبت‌نام بسیاری از کودکان افغان در مدارس ایران را مهیا کرد و آن‌ها توانستند از حق تحصیل برخوردار شوند. مطابق آمارها در سال ۱۳۹۶ حدود ۳۶۰ هزار دانش‌آموز افغان در ۲۵ هزار

^۱ طبق اصل نوزدهم: مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود.

و ۴۹۰ مدرسه ایران تحصیل می‌کردند و تا سقف ۱۰ درصد از این دانش‌آموزان می‌توانند در مدارس فنی و حرفه‌ای به تحصیلات ادامه دهند. طبق اصل ۱۳۸ قانون اساسی کودکانی که فاقد مدرک هیتی هستند و از نظر سنی شرایط نام‌نویسی و تحصیل در نظام آموزشی رسمی کشور را دارند شناسایی و کارت ویژه‌ای با عنوان «کارت حمایت تحصیلی» برای آنان صادر شد. به گفته سید علی قدمگاهی، معاون مدیر کل امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور، جمهوری اسلامی ایران سالانه ۱۵۰ میلیون دلار برای تحصیل ۴۸۰ هزار دانش‌آموز افغانستانی هزینه می‌شود و طبق آمار منتشر شده در سال ۱۳۹۵، بیش از ۱۱ هزار دانشجوی افغان در دانشگاه‌های ایران مشغول تحصیل هستند.

ب) خدمات بهداشتی

طبق برآوردها سالانه حدود ۱۰ میلیارد تومان در کشور برای خدمات بهداشتی مهاجران و پناهندگان هزینه می‌شود. این مبلغ حدود چهار برابر چیزی است که کمیساریای عالی پناهندگان برای ارائه خدمات بهداشتی در اختیار قرار داده است. سیدحسین قاضی‌زاده هاشمی وزیر سابق بهداشت در این باره گفته بود: «کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان حتی برای این پناهندگان قانونی نیز هزینه لازم را برای ارائه خدمات سلامت، آموزش و اشتغال نمی‌پردازد». بنا به تأکید وی، سال ۹۳ حدود یک میلیون نفر علیه سرخک واکسینه شدند که ۲۰۰ هزار نفر از میان جمعیت مهاجر و پناهنده بودند. همچنین وزارت بهداشت طی چهار نوبت، در چهار سال مختلف متولدین سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۲ را از بین جمعیت مهاجر و پناهنده علیه ویروس هپاتیت B واکسینه کرد. در آماري که در سال ۱۳۹۶ به نشر رسیده بیش از ۱۲۴ هزار اتباع افغان در ایران در طرح بیمه سلامت ثبت‌نام کردند. این بیمه شامل خدمات بستری، خدمات پاراکلینیکی و خدمات سرپایی در بیمارستان‌های دولتی تحت پوشش وزارت بهداشت است (Javanonline, 1398). گفتنی است که بیش از دو میلیون افغانی به صورت غیرقانونی در ایران حضور دارند (همان).

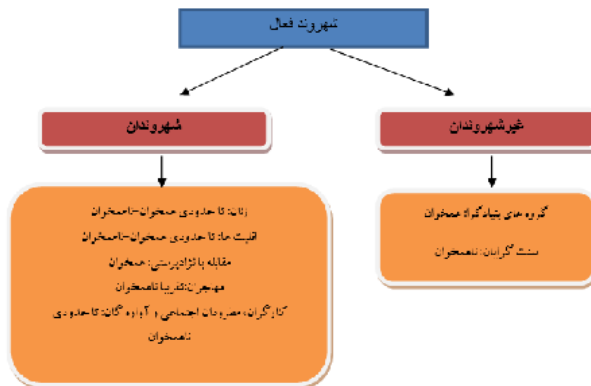
کارگران، مطرودان اجتماعی و آوارگان:

انقلاب اسلامی، انقلابی مردمی و از قشر پایین بوده است و با وجود حمایت‌های همه‌جانبه از قشر کارگر هنوز مشکلاتی وجود دارد. بخشی از این مشکلات مربوط به داخل و بخشی به خارج است. در حال حاضر ایران با بی‌سابقه‌ترین تحریم‌ها در تاریخ خود روبروست تاکنون هیچ‌یک از تحریم‌هایی که طی دهه‌های گذشته بر ایران تحمیل شده نه تنها لغو نشده یا کاهش نیافته، بلکه به مرور بر شدت و ابعاد این تحریم‌ها افزوده شده است. این امر بر تولید، اشتغال، صادرات و زندگی کارگران تأثیر دارد. وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در صد و هشتمین نشست وزرای کار در ژنو گفت: "تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا زندگی کارگران و کارفرمایان را هدف قرار داده است" (khabaronline, 1398). علی‌رغم، شدت و گستردگی تحریم‌ها ایران در مقابل موج تحریم‌های وضع شده منفعل نبوده و توانسته با تدابیری که تاکنون برای مقابله با آن‌ها اتخاذ نموده از بسیاری از پیامدهای ناگوار آن جلوگیری کند؛ رسانه‌های آمریکایی نیز اذعان می‌کنند که تحریم‌های این کشور علیه ایران دیگر به پایان خط رسیده و واشنگتن ابزار دیگری برای اعمال فشارهای بیشتر بر اقتصاد ایران در اختیار ندارد. در این همین راستا است که به سبب عدم حصول فشار حداکثری هدف تحریم‌های خارجی علناً به بخش کارگران منتقل می‌شود. ظریف در پیام توئیتری بیان کرد: «هدف قرار دادن کارگران ساختمانی با تروریسم اقتصادی تنها نشان‌دهنده شکست کارزار فشار حداکثری است» (tasnimnews, 1398). باید توجه داشت از آنجا که بخش کارگران با بخش تولید در ارتباط است در نتیجه رکود یا ورشکستگی صنایع تولیدی منجر به بیکاری کارگران یا کاهش دستمزدها خواهد شد بنابراین راهبرد اقتصاد مقاومتی مهم‌ترین راهکار مقابله با اثر تحریم‌ها است. هادی ابوی، دبیر کل کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران بیان می‌دارد: "در راستای سیاست‌های نظام و تأکیدات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) مبنی بر حمایت از تولید داخلی انتظار نداریم که واردات کالا به کشور آزاد شود و به خاطر رفاه عده‌ای کالا وارد کنیم چون می‌تواند

در بازار کار و اشتغال نیروهای کار تأثیر بگذارد." (ISNA, 1400) به‌غیر از عامل خارجی برخی عوامل از جمله نبود امنیت شغلی، تأمین معیشت، گسترش قراردادهای موقت و سفید امضاء، کاهش قدرت خرید، پایین بودن دستمزدها، سوءاستفاده کارفرمایان از قانون کار، تخلفات کارفرمایان مرتبط بازندگی و اشتغال کارگران است (tasnimnews, 1397).

بنیادگرایان و سنت‌گرایان:

جمهوری اسلامی ایران همواره به مقابله با نگرش‌های افراطی در سیاست خارجی خود که با گروه‌های بنیادگرا همچون داعش پرداخته و در سیاست داخلی نیز به مقابله با گروه‌های افراطی پرداخته است. حزب حیات آزاد کردستان که بانام اختصاری پژاک^۱ شناخته می‌شود، یک گروه شبه‌نظامی چپ‌گرا در کردستان ایران است که علیه نظام جمهوری اسلامی ایران مبارزه می‌کند. همچنین می‌توان به گروه‌ک جندالله اشاره نمود که یک گروه مستقر در استان سیستان و بلوچستان به سرکردگی عبدالملک ریگی بود. جمهوری اسلامی ایران با این نوع نگاه افراطی مخالف بوده و همواره به مقابله با آن‌ها پرداخته است. در نگاه موف هم گروه‌های بنیادگرا در دامنه شهروندی جای نمی‌گیرند. در ادامه الگوی دامنه شهروندی در جمهوری اسلامی ایران ارائه شده است:



نمودار ۲: ترسیم الگوی دامنه شهروندی در جمهوری اسلامی ایران با توجه به رویکرد شانتال موف

نتیجه گیری

روند روبه پیشرفت تحقق شهروندی در دنیای امروز به ضرورتی انکارناپذیر تبدیل شده است. موف با توجه به اندیشه رادیکال دموکراسی، دامنه شهروندی را تعریف نموده و بر همین پایه مهاجران و سیاه‌پوستان را جز شهروندان محسوب می‌کند که می‌توانند از طریق قانون و فرایند دموکراتیک، شهروند محسوب گردند. در واقع موف، گروه‌های قومی و مذهبی تحول‌خواه و خارج از چارچوب ساختارهای موجود رادیکال دموکراسی و در وضعیت تهاجمی قرار داده است. وی به دنبال رفع تبعیض و ایجاد برابری بوده و از منظر وی شهروندان به‌دوراز جنسیت، مذهب، رنگ پوست و مسائل فراجنسیتی می‌توانند از حقوق شهروندی در قالب رادیکال دموکراسی برخوردار گردند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر اساس فرهنگ اکثریت است که از اسلام و به‌ویژه مکتب شیعه، ایرانی بودن، زبان فارسی و به‌طور کلی فرهنگ مردم‌سالارانه اقتباس شده است.

گروه‌های فرهنگی اجتماعی برخاسته از زنان، اقلیت‌های مذهبی و قومی، نژادپرستان، مهاجران، کارگران، مطرودان اجتماعی و آوارگان در دایره شهروندی قرار می‌گیرند. در مجموع بعد از انقلاب اسلامی، به‌نوعی از نگاه تبعیضی گذر شده است، باوجود همخوانی‌های متعدد شهروندی ولی به‌طور کامل در نظر موف قرار ندارد. می‌توان گفت با توجه به پیش‌نیازهای اجتماعی و اقتصادی، شهروندی از نقاط قوت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است هرچند بعد شهروندی فرهنگی آن از نظر برخی دارای ابهام است. در کل تحقق شهروندی فرهنگی کامل متناسب با جامعه در ایران به ترتیبات و پیش‌نیازهای اساسی نیاز دارد که از مهم‌ترین آن‌ها تعمیق شهروندی در فرهنگ عمومی است. به عبارت ساده، تابعیت فراگیر و پایدار بدون سنت‌ها، آیین‌ها و ارزش‌های اجتماعی با حقوق و وظایف شهروندی فرهنگی شکل نمی‌گیرد. از این‌رو، بدون توجه بیشتر همگانی به حقوق شهروندی و گسترش آن‌ها در داخل جامعه و بدون اهتمام جدی نظام سیاسی به ارتقای حقوق شهروندی؛ همواره موانع متعدد فراروی شهروندی فرهنگی؛ وجود خواهد داشت.

منابع

- احمدی طباطبایی، سید محمدرضا (۱۳۸۸). «حقوق شهروندی با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه خط اول، سال ۳، شماره ۸، تابستان، صفحات ۳-۱۸.
- ارسطو (۱۳۸۶). سیاست، ترجمه حمید عنایت، چاپ سوم، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- اسدی، عباس؛ مجیدی، مصطفی (۱۳۹۷). «تحلیل گفتمان حاکم بر ساختار تبلیغاتی داعش»، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، دوره ۷، شماره ۲۴، بهار، صفحات ۸-۲۴.
- براعتلی‌پور، مهدی (۱۳۸۳). شهروندی و سیاست نو فضیلت‌گرا، تهران: موسسه مطالعات ملی تمدن ایران.
- حیدری، لادن؛ جلالی، محمد؛ صالحی، سید رضا؛ جاوید، محمدجواد (۱۳۹۷). «نقش سیاسی شهروندان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و دیدگاه‌های ناظر بر آن»، فصلنامه حقوق پزشکی، سال ۱۲، شماره ۴۶، پاییز، صفحات ۷-۳۳.
- دیکچ، مصطفی (۱۳۹۹). فضا به‌عنوان حالتی از تفکر سیاسی، ترجمه مجید ابراهیم پور، تهران: انتشارات فضا.
- راولز، جان (۱۳۸۵). عدالت به‌مثابه انصاف، ترجمه عرفان ثابتی، تهران: انتشارات ققنوس.
- رفیعی، سید رضا (۱۳۹۶). «تحول و تکامل حقوق شهروندی از گذشته تا به امروز»، فصلنامه مطالعات حقوق شهروندی، سال ۲، شماره ۲، بهار، صفحات ۱-۲۱.
- سلیمی، حجت؛ حاضر، جلیل (۱۳۹۷). «مطالعه تطبیقی جایگاه حقوق اقلیت‌ها در منشور حقوق شهروندی ایران و اعلامیه حقوق اقلیت‌های سازمان ملل متحد»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۹، شماره ۱، بهار و تابستان، صفحات ۲۰۳-۲۳۰.
- صادقی فسا، سهیلا؛ عرفان منش، ایمان (۱۳۹۴). «مبانی روش‌شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی»، فصلنامه راهبرد فرهنگ.
- طاهری، محسن (۱۳۹۵). «نقد و بررسی جایگاه حقوق شهروندی در نظام حقوقی ایران با نگاهی به منشور حقوق شهروندی»، همایش ملی تبیین حقوق شهروندی، آذربایجان غربی.
- عمید زنجانی، عباسعلی؛ توکلی، محمدمهدی (۱۳۸۶). «حقوق بشر اسلامی و کرامت ذاتی انسان و اسلام»، فصلنامه حقوق، دوره ۳۷، شماره ۴، زمستان، صفحات ۱۶۱-۱۸۹.
- عیوضی، محمدرحیم؛ باب‌گوره، سید حسام‌الدین (۱۳۹۱). «تحول مفهوم شهروندی و ظهور شهروند جهانی»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۲، شماره ۳، پاییز، صفحات ۱۸۷-۲۰۵.

کلی کیت، پیس (۱۳۸۱). «حقوق بشر و سازمان‌های بین‌المللی»، فصلنامه راهبرد، دوره ۱، شماره ۲۳، بهار، صفحات ۱-۳۰.

لیپست، سیمور مارتین (۱۳۸۳). دایره المعارف دموکراسی، ترجمه کامران فانی و نورالله مرادی، جلد دوم، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

محسنی، فرید (۱۳۸۶). گفت‌وگوهای سیاست جنایی قانون‌گذار در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات.

مقصودی، مجتبی (۱۳۸۲). قومیت‌ها و نقش آنان در تحولات سیاسی سلطنت محمدرضا پهلوی، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

منصور، جهانگیر (۱۳۹۱). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ یک‌صد و یکم، تهران: نشر دوران.
منوچهری، عباس (۱۳۹۵). فراسوی رنج و رؤیا (روایتی دلالتی-پارادایمی-از تفکر سیاسی)، تهران: انتشارات موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

موف، شانتال (۱۳۹۲). بازگشت امر سیاسی، ترجمه عارف اقوامی، تهران: انتشارات رخداد نو.
نظری، علی‌اشرف (۱۳۹۴). «چرخش مفهوم سیاست و بازآفرینی امر سیاسی: درک زمینه‌های هستی‌شناختی»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۷، شماره ۱، بهار، صفحات ۲۵۷-۲۷۷.

ولوی، سعید؛ آهنگران، محمد رسول؛ آقایی بجستانی، مریم (۱۳۹۹). «حقوق شهروندی اسلامی در نظام جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر قاعده احسان»، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، سال ۱۴، شماره ۵۱، تابستان، صفحات ۲۳-۴۴.

هابرماس، یورگن (۱۳۸۴). جهانی‌شدن و آینده دموکراسی، ترجمه کمال پولادی، چاپ سوم، تهران: انتشارات نشر مرکز

Bellamy, Richard (2008). *Citizenship: a Very Short Introduction*, Oxford: University press.

DeVos, Patrick (2003). "Discourse Theory and the Study of Ideological (Trans-) formations: Analyzing Social Democratic Revisionism", In *Journal of Pragmatics*, 13(1): 163-180. <https://DOI:10.1075/PRAG.13.1.08VOS>

Heater, Derek Benjamin (1999). *What Is Citizenship?*, Cambridge: Polity Press.

Kostakopoulou, Dora (1994). *The Future Governance of Citizenship*, Cambridge University Press (United States and Canada).

- Laclau, Ernesto & Mouffe, Chantal (1985). *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics*, Verso. London, New York.
- Mcafee, Noelle (2000). *Habermas, Kristeva and citizenship*, cornell university press.
- Miller, D (2000). *Citizenship and National Identity*, Cambridge: Polity Press.
- Mouffe, Chantal (1993). *The Return of The Political*, London and New York: Verso.
- Mouffe, Chantal (2005). *On the Political*, New York: Routledge.
- Mouffe, Chantal (2007). *Democratic Citizenship and the Political Community*, London and New York: Verso.
- Mouffe, Chantal (2018). *For A Left Populism*, London/ New York: Verso.
- Mouffe, Chantal (1992). *Dimensions of Radical Democracy: Pluralism, Citizenship, Community*, by verso Publication in Great Britain.
- Pocock, J. G. A (1995). *The Ideal of Citizenship since Classical Times*, in *Theorizing Citizenship*, Ronald Beiner, Albany: State University of New York Press.
- Turner, Bryan & Hamilton, Peter (1994). *Citizenship: Critical Concepts*, Routledge (London and New York).